

اوضاع سیاسی و اداری ایران در عصر قاجار (از تأسیس حکومت تا پایان سلطنت ناصرالدین شاه)

مقدمه

قاجاریان از جمله طوایف ترک بودند که نیروی قزلباشان را تشکیل دادند و شاه اسماعیل اول صفوی را در رسیدن به قدرت یاری کردند. شاه عباس اول به منظور کاهش قدرت قزلباشان، ایل قاجار را در سه منطقه شمال خراسان، استرآباد (گرگان) و آذربایجان سکونت داد. بعد از مرگ شاه عباس و آغاز ضعف حکومت صفویه، قاجاریان ساکن استرآباد قدرت بیشتری یافتند و پس از تصرف اصفهان توسط افغانان، فتحعلی‌خان رئیس ایل قاجار به یاری تهماسب دوم شتافت. اما قتل وی، تلاش آن ایل را برای کسب قدرت سیاسی ناکام گذاشت. کشته شدن محمد حسن خان قاجار رئیس ایل قاجار در رقابت با کریم‌خان زند نیز آرزوی قاجارها را برای رسیدن به پادشاهی ایران تا زمان آقامحمدخان به تأخیر انداخت.

تأسیس سلسله قاجاریه

آقامحمدخان پسر بزرگ محمدحسن خان بود. او بعد از مرگ پدر، به عنوان گروگان در شیراز به سر می‌برد. مرگ کریم‌خان زند، فرصتی را در اختیارش نهاد که خود را به استرآباد برساند و با متحد کردن ایل قاجار، آماده رویارویی با خاندان زندیه گردد. نزاع بازماندگان کریم‌خان با یکدیگر این فرصت را برای آقامحمدخان فراهم آورد که نواحی شمالی و مرکزی ایران را تصرف کند و تهران را به عنوان مرکز فرمانروایی خویش، برگزیند. خان قاجار پس از پیروزی



آقا محمدخان قاجار

پادشاهی فتحعلی شاه



فتحعلی شاه قاجار

بعد از مرگ آقامحمدخان، برادرزاده وی، به کمک سران نظامی و بزرگان قاجار، به نام فتحعلی شاه تاج گذاری کرد. سال های نخست سلطنت فتحعلی شاه صرف سرکوب طغیان های داخلی و تحکیم پادشاهی در خاندان قاجار شد. تغییر اوضاع جهانی و تشدید تکاپوهای استعماری سبب شد تا دومین شاه قاجار در مقابله با دشمنان خارجی و حفظ قلمرو ایران ناکام باشد. سهل انگاری در اداره کشور و واگذاری بخش هایی از ایران به بیگانگان سبب شده است که قضاوت عمومی نسبت به او با نوعی احساس تنفر همراه باشد. تقریباً همه منابع و تحقیقات تاریخی از دوران سلطنت وی به تلخی یاد می کنند. البته این سخن به معنای آن نیست که فتحعلی شاه، هیچ تلاشی برای حفظ یکپارچگی ایران انجام نداد و به عمد زمینه مداخله و حضور بیگانگان را در کشور فراهم کرد؛ بلکه می توان گفت که با وجود خواست عمومی و

نظر مساعد علما، شاه قاجار درایت لازم را برای بهره گیری از توان ملی در مقابله با تهاجم دشمنان خارجی نداشت. بخشی از این زبونی و ضعف ناشی از عدم آگاهی او و اطرافیانش از اوضاع جهانی و بخشی نیز به سبب داشتن خوی تجمل گرایی و علاقه وی به جمع آوری ثروت بود.

یک توضیح

پادشاهی ناآگاه نسبت به اوضاع جهان

اوج عدم آگاهی و بی خبری فتحعلی شاه از اوضاع جهانی و دلخوشی به قدرت خویش را می توان در این طنز سیاسی یافت که مستوفی در کتاب خود درباره شاه قاجار به هنگام جنگ های ایران و روسیه بیان کرده است. به نقل این نویسنده که خود نیز از دودمان قاجار است، فتحعلی شاه در زمان امضای قرارداد ترکمانچای برای نشان دادن قدرت و شوکت خویش شمشیر از نیام کشید و فریاد برآورد که:

کشم شمشیر مینایی که شیر از بیشه بگریزد

زنم بر فرق پسیکیویچ که دود از پطر برخیزد

عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من: تاریخ اجتماعی و اداری قاجاریه، ج ۱، ص ۵۱.

حکمرانی محمدشاه

فتحعلی شاه در زمان حیات خویش عباس میرزا را به عنوان ولیعهد خود معرفی کرده بود، اما مرگ ناگهانی این شاهزاده لایق باعث شد تا مقام ولیعهدی به فرزند وی، محمدمیرزا برسد. بعد از مرگ فتحعلی شاه، محمدمیرزا به کمک میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی بر مسند پادشاهی تکیه زد. قائم مقام فراهانی به منصب صدارت منصوب شد. او با تدبیر، مدعیان تاج و تخت را به جای خود نشاند و اوضاع اجتماعی و فرهنگی را بهبود بخشید. ایستادگی وی در برابر دخالت و زیاده خواهی های دولت انگلستان، موجب شد که سفیر و عوامل داخلی آن کشور علیه آن وزیر ادیب دسیسه کنند و موجبات برکناری و قتل وی را فراهم آورند.



محمد شاه قاجار

محمدشاه نیز محبوبیت چندانی در تاریخ ایران ندارد و او را به دلیل کشتن قائم مقام، انتصاب فردی درویش مسلک چون حاجی میرزا آقاسی به صدارت اعظم و ضعف و سستی در مقابل قدرت های استعماری نکوهش کرده اند. گرچه گفته شده که رفتار مؤدبانه ای داشته است. این شاه قاجار به سبب بیماری، چندان دخالتی در امور حکومتی نمی کرد و بیشتر اوقات خود را با نقاشی، سرودهای رزمی و مطالعه کتاب می گذراند.

یک توضیح

سیاستمداری باهوش و میهن دوست



میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی

قائم مقام مردی فوق العاده باهوش و صاحب فکر و عزم ثابت بود. او به واسطه اطلاعات و تجارب خود، اوضاع و احوال همسایگان ایران و دولت های اروپایی را به خوبی می شناخت. دولت های استعمارگر اطمینان داشتند که او مانع جدی برای توسعه نفوذ و دخالت آنان در ایران است. از این رو، نویسندگان انگلیسی که در آن تاریخ در ایران سیاحت می کردند، قائم مقام را به سرپیچی از نصایح دولت انگلستان و طرح نقشه تصرف هرات متهم می کنند و حس بدبینی و دشمنی فوق العاده خود را نسبت به این مرد بزرگ، پنهان نمی کنند. او نمونه بارز تدبیر و تیزبینی آمیخته با انسان دوستی میهن پرستانه بود که در آن شرایط می توانست ایران را به خوبی اداره کند.

سلطنت ناصرالدین شاه



میرزا تقی خان امیرکبیر

با مرگ محمد شاه، ولیعهد او ناصرالدین میرزا با حمایت میرزاتقی خان فراهانی به عنوان چهارمین پادشاه قاجار بر تخت سلطنت نشست. میرزاتقی خان به مقام صدراعظمی منصوب و به امیرکبیر ملقب شد. صدراعظم ابتدا به سرکشی و طغیان گردنکشان داخلی پایان داد و نظم و امنیت را برقرار کرد. او سپس بر پایه شناختی که از دیگر کشورها داشت، برنامه منسجمی را با هدف اصلاح امور و جبران عقب ماندگی ایران طراحی کرد و به اجرا گذاشت. اصلاحات مورد نظر امیرکبیر به سرانجام مطلوب نرسید؛ زیرا مدتی بعد قربانی توطئه درباریان نالایق و طماع و دسیسه‌های روسیه و انگلستان شد. ناصرالدین شاه با وجود علاقه‌ای که به وزیرش داشت، تحت تأثیر دشمنان امیرکبیر، فرمان برکناری، تبعید و سرانجام قتل او را صادر کرد.



ناصرالدین شاه قاجار

ناصرالدین شاه در دوران پادشاهی خود طی سه سفر به اروپا، از چندین کشور دیدن کرد و تحت تأثیر فرهنگ و تمدن غربی قرار گرفت. وی اگرچه ضرورت اصلاحات را برای جبران عقب ماندگی درک کرده بود، اما از نتایج سیاسی آن که کاهش قدرت و اختیارات نامحدود شاه بود، به شدت وحشت داشت. برای مثال او دارالفنون را نماد ترقی و پیشرفت ایران قلمداد می‌کرد، اما در عین حال نگران آثار و نتایج انتشار افکار سیاسی اروپاییان در ایران بود.

از این رو، اصلاحاتی که در دوران پادشاهی او آغاز شد، نتایج چندان مؤثر و مفیدی برای ایران نداشت. در دوران سلطنت ناصرالدین شاه، قدرت‌های استعماری نفوذ و سلطه اقتصادی خود را بر ایران افزایش دادند. دولت‌های روسیه و انگلستان و یا اتباع آنان رقابت تنگاتنگی را برای کسب امتیازات اقتصادی در کشور ما آغاز کردند. ناصرالدین شاه و درباریان در دادن امتیازات اقتصادی بیشتر به منافع شخصی خود می‌اندیشیدند و کمتر به منافع ملی توجه می‌کردند. در درس‌های بعدی امتیازات اقتصادی

واگذار شده به انگلیسی‌ها و روس‌ها و پیامدهای سیاسی و اجتماعی آن بررسی خواهد شد. ناصرالدین‌شاه در سال‌های پایانی سلطنتش، ناامید و مأیوس از انجام اصلاحات، بیشتر وقت خود را به سرودن شعر و شکار گذراند. او در آستانه پنجاهمین سال پادشاهی در حالی به قتل رسید که کشتن امیرکبیر، بدرفتاری با سیدجمال‌الدین اسدآبادی و دادن امتیازات سیاسی و اقتصادی به بیگانگان، چهره نامطلوبی از وی در تاریخ ایران ترسیم کرده است.



نظر شما در مورد شخصیت و اعمال و رفتار ناصرالدین‌شاه چیست؟

سازمان سیاسی و اداری حکومت قاجار

الف) جایگاه شاه: نظام سیاسی ایران تا قبل از انقلاب مشروطیت به صورت سلطنت استبدادی بود. در چنین ساختار سیاسی، شاه به عنوان بالاترین مقام، قدرت و اختیارات نامحدودی داشت. عزل و نصب مقامات کشوری و لشکری و اعلام جنگ و صلح از جمله اختیارات مهم او بود. شاهان قاجار با عنوان و القابی مثل ظل‌الله، وارث تاج کیانی، شاهنشاه جهان و قبله عالم، خود را مالک جان و مال همه ایرانیان می‌دانستند. آنان انتظار داشتند همگان از صدراعظم تا مردم عادی، بی‌چون و چرا فرماشان را اطاعت کنند.

با این حال در دوران قاجار، به سبب نفوذ و دخالت قدرت‌های استعماری، جایگاه و اقتدار دینی و اجتماعی روحانیت و نیز قدرت نظامی ایلات، این امکان همیشه برای شاهان وجود نداشت که از قدرت استبدادی و مطلقه خود بهره کامل ببرند. بنابراین، در بعضی مواقع ناچار می‌شدند از خواسته‌های خود صرف‌نظر کنند.

ب) شاهزادگان: از زمان پادشاهی فتحعلی‌شاه حکمرانی ایالات و ولایات ایران به شاهزادگان قاجار سپرده شد. ایالت آذربایجان به مرکزیت تبریز اهمیت ویژه‌ای داشت؛ زیرا اداره این ایالت به شاهزاده‌ای سپرده می‌شد که ولیعهد پادشاه به‌شمار می‌آمد. شاهزادگان نیز به نوبه خود با استبداد تمام رفتار می‌کردند. استقرار شاهزادگان در نواحی مختلف ایران، اگرچه موجب استحکام سلطنت خاندان قاجار شد، اما پیامدهای سیاسی و اجتماعی نامطلوبی نیز داشت؛ از آن جمله است:



مسعود میرزا ظل السلطان پسر بزرگ ناصرالدین شاه که
۳۴ سال متوالی حاکم اصفهان و قریب ۴۵ سال به طور
متناوب حاکم مازندران و اصفهان و فارس بود.

- ۱- رقابت آشکار و پنهان شاهزادگان با ولیعهد نتایج زیانباری برای کشور داشت.^۱
- ۲- انحصار حکومت بیشتر ولایات، به ویژه ولایات مهم به شاهزادگانی که اغلب آنان فاقد لیاقت و کفایت لازم برای اداره امور بودند، موجب نابسامانی اوضاع ولایات می شد.
- ۳- شورش شاهزادگان حاکم بر ولایات بعد از مرگ پادشاه، برای مدتی کشور را دچار بی ثباتی و جنگ داخلی می کرد.

بیشتر بدانیم

آذربایجان

آذربایجان ناحیه‌ای در شمال غربی ایران است که اکنون در تقسیمات کشوری به سه استان آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اردبیل تقسیم شده است. نام آذربایجان از نام آتروپات، سردار ایرانی، اخذ شده که پس از مرگ اسکندر بر آن منطقه که به «مان کوچک» معروف شده بود، حکومت داشت. نام آذربایجان و در منابع قدیمی به شکل آتروپاتنه، آتورپاتکان، آذربایگانی، آتروپاتکان، آذربادگان، آذرآبادگان آمده است. آذربایگان که تلفظ مردم عصر ساسانی بوده است، در زبان عربی به آذربيجان و آذربيجان تغییر یافته و در فارسی

۱- نمونه بارز آن عدم همکاری شاهزادگان قاجار با عباس میرزا، ولیعهد فتحعلی شاه در جریان جنگ‌های ایران و روس بود.

امروز تبدیل به آذربایجان شده است. از سرزمین‌هایی که در شمال رود ارس واقع بوده و در خلال جنگ‌های ایران و روسیه از کشور ما جدا شده‌اند، در منابع تاریخی با نام‌های اَران، آلبانیا و آلبانیای قفقاز یاد می‌شود. اَران یا سرزمین‌های شمال ارس از دیرباز به ایران تعلق داشته و قبل از ورود اسلام به ایران آلبانیا خوانده می‌شده است. یکی از نتایج دردناک جنگ‌های ایران و روس، اشغال و جداکردن این مناطق از ایران بود. با سقوط رژیم تزاری، سران حزب مساوات که در قفقاز تشکیل شده بود، با سوسیالیست‌ها متحد شدند اما مدتی بعد بین آنها اختلاف افتاد و آنان ضمن اعلام استقلال نام جمهوری آذربایجان را برای دولت خود برگزیدند و از حمایت ترکان عثمانی برخوردار شدند. تغییر نام اَران به آذربایجان که به اصرار ترکان عثمانی صورت گرفت، تحریفی تاریخی بود که برای به دست آوردن آذربایجان ایران انجام شد. با پیروزی دولت سوسیالیستی بر ترکان عثمانی و مساواتی‌ها در اَران، آنان نیز همچنان به طمعی خام نام آن منطقه را جمهوری آذربایجان باقی گذاشتند. این امر اعتراض مردم وطن‌خواه و متدین آذربایجان را برانگیخت، بعدها تلاش دولت سوسیالیستی شوروی برای جداکردن آذربایجان از خاک ایران در سال ۱۳۲۴ ش. به دلیل همبستگی‌های دینی و فرهنگی موجود در سراسر ایران و با مقاومت مردم قهرمان آن خطه از خاک کشورمان با شکست مواجه شد.

تشکیلات اداری

الف) صدارت اعظم : در نظام حکومتی قاجار بعد از شاه، صدراعظم (وزیراعظم) قرار داشت. صدراعظم می‌توانست به راحتی به حضور شاه برسد و یا برای وی نامه بنویسد. او همچنین اجازه داشت که در امور کشور اظهار نظر کند و در صورت تمایل از قدرت سلطنت در جهت بهبود وضع مردم و اصلاح امور کشور بهره‌بردار. البته صدراعظم نیز امنیت جانی و مالی نداشت و به یک اشاره شاه موقعیت او دگرگون می‌شد. تاریخ قاجار آکنده از نام وزیرانی است که گرفتار سوءظن و خشم شاهان شدند و جان و مال و مقام خویش را از دست دادند.

صدراعظم‌های ایران در دوره قاجار^۱

نام پادشاه	نام صدراعظم	وقایع مهم زمان صدراعظم	عاقبت کار صدر اعظم
آقامحمدخان	حاج ابراهیم خان کلانتر	رویگردانی از خاندان زندیه و کمک به آقامحمدخان برای تأسیس سلسله قاجاریه	تا پایان پادشاهی آقامحمدخان منصب خود را حفظ کرد.
	۱- حاج ابراهیم خان کلانتر	۱- سرکوب مدعیان پادشاهی و کمک به فتحعلی‌شاه برای رسیدن به پادشاهی ۲- جلوگیری از لشکرکشی فتحعلی‌شاه به افغانستان	در سال ۱۲۱۵ق/۱۱۷۹ش. به فرمان فتحعلی‌شاه به همراه خانواده و نزدیکانش به شکل وحشتناکی به قتل رسید.
	۲- میرزا شفیق مازندرانی	۱- وقوع جنگ‌های ایران و روس ۲- تلاش برای ایجاد روابط خارجی ۳- توجه به اماکن متبرکه و شعائر اسلامی	در سال ۱۲۳۴ق/۱۱۹۸ش. به مرگ طبیعی از دنیا رفت.
فتحعلی‌شاه	۳- حاجی محمدحسین صدراعصفهانی	۱- انعقاد عهدنامه‌ی ارزنه‌الروم اول با حکومت عثمانی ۲- تشکیل وزارت امور خارجه	در سال ۱۲۳۹ق/۱۲۰۲ش. به مرگ طبیعی از دنیا رفت.
	۴- عبداللّه‌خان امین‌الدوله	۱- افزایش ناراضیاتی به سبب شکست از روسیه ۲- قتل گریبایدوف سفیر روس در تهران	در سال ۱۲۶۳ق/۱۲۲۶ش. بعد از دوبر صدارت در نجف به مرگ طبیعی از دنیا رفت.
	۵- الهیارخان آصف‌الدوله (اولین وزیر از خاندان قاجار)	۱- شروع دوره‌ی دوم جنگ‌های ایران و روس ۲- انعقاد قرارداد ننگین ترکمانچای	به دلیل کارشکنی در جریان جنگ‌های ایران و روس تنبیه و در زمان محمدشاه به عراق تبعید شد و در آنجا از دنیا رفت.
	۱- میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی	۱- کمک به محمدشاه برای رسیدن به پادشاهی ۲- اصلاح امور مالی کشور ۳- مخالفت با سیاست‌های استعماری روسیه و انگلیس	در سال ۱۲۵۱ق/۱۲۱۴ش. به فرمان محمدشاه در باغ نگارستان تهران به قتل رسید.
محمدشاه	۲- حاجی میرزا آقاسی ابروآنی	۱- بروز فتنه‌ی علی محمدباب و آفاخان محلاتی ۲- طغیان سالارالدوله ۳- انعقاد عهدنامه‌ی ارزنه‌الروم دوم با عثمانی	در سال ۱۲۶۵ق/۱۲۲۸ش. در عراق به مرگ طبیعی از دنیا رفت.
	۱- میرزاتقی‌خان فراهانی (امیرکبیر)	۱- کمک به ناصرالدین میرزا برای رسیدن به قدرت ۲- خاتمه دادن به طغیان سالارالدوله و فتنه‌ی باب ۳- انجام اصلاحات در زمینه‌های مختلف ۴- در پیش گرفتن نقش فعال در سیاست خارجی	در سال ۱۲۶۸ق/۱۲۳۱ش. به فرمان ناصرالدین‌شاه در حمام فین کاشان به قتل رسید.
	۲- میرزا آفاخان نوری	۱- انعقاد قرارداد پاریس و جدایی افغانستان از ایران ۲- ایجاد روابط دوستانه با انگلستان	در سال ۱۲۴۳ق/۱۲۰۶ش. در نهایت فلاکت و بدبختی در شهر قم از دنیا رفت.
ناصرالدین‌شاه	۳- میرزا محمد خان سپهسالار	۱- دادن امتیازات نیلات به روسیه ۲- احداث سیم تلگراف	در سال ۱۲۸۴ق/۱۲۴۶ش. به مرگ طبیعی در مشهد از دنیا رفت.
	۴- میرزا حسین خان سپهسالار (مشیرالدوله)	۱- تشویق ناصرالدین شاه برای سفر به اروپا ۲- دادن امتیاز رویتز به یک فرد انگلیسی	در سال ۱۲۹۸ق/۱۲۶۰ش. به مرگ طبیعی در مشهد از دنیا رفت.
	۵- میرزا یوسف مستوفی‌الممالک	۱- سفر دوم ناصرالدین‌شاه به اروپا ۲- اختلاف ایران و انگلیس بر سر ناحیه‌ی کوهک سیستان	در سال ۱۳۰۳ق/۱۲۶۵ش. از دنیا رفت.
	۶- میرزا علی‌اصغر خان اتابک (امین‌السلطان)	۱- سفر سوم ناصرالدین‌شاه به اروپا ۲- دادن امتیاز لاناری ۳- واگذاری امتیاز تالبوت	در سال ۱۳۲۵ق/۱۲۸۶ش. به دلیل همکاری با محمدعلی‌شاه، توسط انقلابیون مشروطه ترور شد.

۱- برای مطالعه بیشتر ن. ک: محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، صدرا لتوار یخ. / پرویز افشاری، صدراعظم‌های سلسله قاجاریه

ب) سایر مناصب اداری: بعد از صدراعظم، نایب وی قرار داشت که در غیبت وزیر کارهای او را انجام می‌داد. وزیر جنگ نیز منصب مهمی محسوب می‌شد و معمولاً در اختیار بزرگان ایل قاجار قرار داشت. مستوفی الممالک به عنوان وزیر دارایی به همراه عده‌ای مستوفی، بر درآمدها و هزینه‌ها و به‌خصوص دریافت مالیات نظارت داشت؛ منشی الممالک نیز به کمک تعدادی منشی فرامین و دستورات پادشاه را می‌نوشت. تشکیلات اداری حکومت قاجار در اوایل آن بسیار محدود بود، اما به تدریج نظام دیوان‌سالاری قاجار تحت تأثیر فرهنگ و تمدن اروپایی توسعه یافت و وزارت‌خانه‌هایی مانند داخله (وزارت کشور کنونی)، خارجه، مالیه و عواید (وزارت دارایی کنونی) و عدلیه اعظم (وزارت دادگستری کنونی) به‌وجود آمدند که همگی تحت نظارت صدراعظم قرار داشتند.

در دوره قاجار دو نظام قضایی وجود داشت:

۱- محاکم عرف که به تخلفات و جرایم سیاسی و امنیتی مانند شورش، سرقت، نزاع و عدم پرداخت مالیات رسیدگی می‌کردند. این محاکم، تشکیلاتی حکومتی بودند و توسط قضات و مأمورانی که از حکومت حقوق می‌گرفتند، اداره می‌شدند.

۲- محاکم شرع که بیشتر دعاوی حقوقی و مدنی مانند دعوای ملکی، خانوادگی و ارث را حل و فصل می‌کرد. قضات این محاکم، روحانیون بودند و طرفین دعوی هزینه‌های رسیدگی را پرداخت می‌کردند.

امیرکبیر در نظام قضایی اصلاحاتی به‌وجود آورد. با تأسیس وزارت عدلیه، محاکم عرف نفوذ بیشتری پیدا کردند.

برقراری نظم و امنیت در شهرها بر عهده کلانتر بود که به کمک داروغه و میرشب امنیت و آرامش را در شهرها برقرار می‌کرد. همچنین وی بر چگونگی گرفتن مالیات و نحوه خرید و فروش اهل بازار نیز نظارت داشت. منصب کلانتر در بیشتر شهرها موروثی بود و او برای نظارت بهتر در هر محله یک نفر را به عنوان کدخداباشی منصوب می‌کرد. افرادی نیز با عنوان محتسب، داروغه و گزمه زیر نظر کلانتر مشغول فعالیت بودند. وظایف کلانتر، بعد از تشکیل نیروی نظمیه در زمان ناصرالدین‌شاه، به رئیس نظمیه سپرده شد.

- ۱- انگیزه آقامحمدخان قاجار از سفر به مشهد بعد از تاج‌گذاری چه بود؟
- ۲- چرا فتح‌علی‌شاه در مقابله با دخالت بیگانگان عاجز ماند؟
- ۳- علت آنکه قائم‌مقام فراهانی از صدارت معزول شد و به قتل رسید، چه بود؟
- ۴- چرا شاهان قاجار همیشه نمی‌توانستند از قدرت استبدادی خود استفاده کنند؟
- ۵- دلایل واگذاری امتیازات اقتصادی به بیگانگان در زمان ناصرالدین‌شاه چه بود؟
- ۶- جایگاه صدر اعظم را در دیوان‌سالاری عصر قاجار شرح دهید.

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- به نظر شما چرا مقام صدارت در ایران عصر قاجار متزلزل بود و کارآیی لازم را نداشت؟
- ۲- درباره یکی از سفرهای ناصرالدین‌شاه به اروپا مطلبی تهیه کنید.

روابط خارجی ایران در دوره قاجار (از آغاز تا پایان عصر ناصرالدین شاه)

مقدمه

همزمان با تشکیل حکومت قاجار در ایران قدرتهای اروپایی بر تکاپوهای استعماری خود افزودند. بهطور مشخص دولتهای انگلستان، روسیه و فرانسه رقابت سیاسی، نظامی و اقتصادی شدیدی را برای تسلط بر دیگر کشورها از جمله ایران آغاز کردند. شاهان قاجار که شناخت چندانی از اهداف و اغراض قدرتهای استعماری نداشتند، اسیر مکر و مهارت سیاسی سیاستمداران بیگانه شدند و با پذیرش شکست و دادن امتیازات متعدد سیاسی و اقتصادی، غرور ملی ایرانیان را جریحه دار کردند. در این درس روابط خارجی ایران در عصر قاجار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) روابط ایران و انگلستان

تلاش برای توسعه نفوذ سیاسی و اقتصادی در ایران: رقابت‌های استعماری روسیه، انگلستان و فرانسه در قرن ۱۹م/۱۳ق. ایران را به کانون توجه سیاستمداران انگلیسی تبدیل کرد. انگلستان به منظور تحقق اهداف زیر، بیایی سفیرانی را روانه دربار قاجار کرد:

- ۱- ایران را از اتحاد با رقیبان و دشمنان انگلستان باز دارد.
- ۲- از ایران به عنوان پایگاه دفاعی برای حفظ هندوستان استفاده کند.
- ۳- با تسلط بر بازار ایران، زمینه وابستگی اقتصادی کشور ما را فراهم آورد.

انگلستان برای نفوذ به دربار ایران از سفیرانی بهره می‌برد که با اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران آشنا بودند و نقاط ضعف و قوت دولتمردان ایرانی را به خوبی می‌شناختند. سرجان ملکم^۱ که سه بار

^۱ Sir John Malkom

به ایران آمد، به زبان فارسی تسلط داشت و با دادن هدیه‌های زیادی به درباریان و شخصیت‌های متنفذ حکومت قاجار، نظر مساعد آنان را جلب کرد. سر هاردفورد جونز^۱ نیز با بذل و بخشش فراوان، قرارداد مجمل را با فتحعلی شاه منعقد کرد. سر گوراوزلی^۲ سفیر بعدی انگلستان نیز با زیرکی و چاپلوسی فراوان، نه تنها ایران را به تسلیم شدن در برابر روسیه واداشت، بلکه زمینه انعقاد قرارداد مفصل را فراهم آورد. مهم‌ترین تعهدات دو کشور در قرارداد مفصل عبارت بودند از:

- ۱- ایران به هیچ کشور اروپایی اجازه عبور از خاک خود را برای رفتن به هندوستان ندهد.
 - ۲- ایران از حمله افغانان به هندوستان جلوگیری کند.
 - ۳- در صورت حمله یک کشور اروپایی به ایران، انگلستان به ایران کمک مالی و نظامی نماید.
- اما گذشت زمان نشان داد که انگلستان به هیچ یک از تعهدات خود نسبت به ایران پایبند نیست. این کشور در جریان دور دوم جنگ‌های ایران و روس از هر نوع مساعدتی به ایران خودداری ورزید و وزیر مختار آن کشور، فتحعلی شاه را به صلح با روس‌ها و امضای قرارداد ننگین ترکمانچای وادار کرد.



یک توضیح

تزویر و نفاق انگلیسیان

بعد از آنکه ناپلئون بناپارت در سال ۱۸۱۴/۱۲۲۹ ق. از نیروهای متحدین شکست خورد و به جزیره الب تبعید شد، سر گوراوزلی به دولت متبوع خود نوشت: «اکنون که ناپلئون تبعید و سرحدات هندوستان تأمین شده است، بهتر است ایران در همان حال توحش و بربریت باقی بماند».

هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران (از ابتدای دور ان صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی)، ص ۲۲۴.

دسیسه برای جداسازی سرزمین‌های شرق ایران: دولت انگلستان در اواخر دوران سلطنت فتحعلی شاه، برخلاف تعهدات خود در قراردادهای مفصل و تهران، درصدد برآمد افغانستان و بخشی از سیستان و بلوچستان را از ایران جدا کند. هدف آن کشور از این اقدام، ایجاد منطقه‌ای تحت نفوذ

۱- Sir Hardford Jones

۲- Sir Gore ouseley

و سلطه خود در مرزهای هندوستان بود. به همین منظور انگلیسی‌ها به تحریک افغانان پرداختند و حاکم هرات را تشویق کردند که از فرمان حکومت ایران سرپیچی کند. گرچه عباس میرزا با قاطعیت یاغیان را سرکوب و فرزند خود محمد میرزا را مأمور تسخیر هرات کرد، اما با مرگ ناگهانی ولیعهد ایران، کار فتح هرات ناتمام باقی ماند.

محمدشاه سه سال بعد از تاج‌گذاری، عازم فتح هرات شد و این شهر را به مدت ۱۰ ماه محاصره کرد. انگلستان برای جلوگیری از تصرف هرات توسط سپاه قاجار، به جنوب ایران حمله و جزیره خارک را اشغال کرد. شاه قاجار مایوس از کمک روسیه، ناگزیر به محاصره هرات پایان داد و انگلیسی‌ها با انعقاد قراردادی، حاکم آنجا را تحت حمایت مستقیم خود گرفتند.

روابط ایران و انگلستان در عصر ناصرالدین‌شاه نیز بار دیگر به سبب مسئله هرات تیره شد. هنگامی که سپاه ایران آن شهر را محاصره کرد، نیروهای انگلیسی به بوشهر و خرمشهر هجوم آوردند و شاه قاجار را وادار به قبول معاهده پاریس و جدا شدن افغانستان و هرات از ایران کردند.

افزون بر آن، انگلستان با هدف تثبیت مرزهای غربی هندوستان، بخش‌هایی از سرزمین‌های ایرانی در مناطق بلوچستان و سیستان را تصرف کرد. سپس ژنرال گلداسمیت را روانه ایران کرد که درباره تعیین خطوط مرزی در مناطق مذکور با حکومت قاجار مذاکره کند. با موافقت ناصرالدین‌شاه، گلداسمیت به عنوان حکم تعیین شد و او بلوچستان و سیستان را به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم کرد که بخش شرقی نصیب انگلستان شد.

انگلستان همچنین از طریق تسلط نظامی بر خلیج فارس، بحرین را نیز عملاً از ایران جدا کرد و تحت‌الحمایه خود درآورد.

اخذ امتیازات اقتصادی: عزل میرزا آقاخان نوری از صدارت اعظمی در دوران ناصرالدین‌شاه، نفوذ انگلستان را در ایران کاهش داد، اما انتصاب میرزا حسین خان سپهسالار به صدارت که همکاری با انگلیس را راهی برای پیشرفت ایران می‌دانست، باعث شد که چند امتیاز مهم اقتصادی به انگلیسی‌ها واگذار شود. مهم‌ترین اینها، امتیاز رویتر بود که به موجب آن حق احداث راه‌آهن، بهره‌برداری از معادن (به جز طلا و نقره و سنگ‌های قیمتی) و جنگل‌ها و احداث کانال‌های آبیاری به مدت ۷۰ سال و اداره گمرکات به مدت ۲۵ سال به بارون جولوس رویتر^۱ واگذار گردید.

همچنین در سفر سوم ناصرالدین‌شاه به اروپا، امتیاز انحصار خرید و فروش توتون و تنباکوی ایران در برابر پانزده هزار لیره و یک چهارم سود سالانه به مدت ۵۰ سال، به یک فرد انگلیسی به نام

^۱ - Baron Julius Reuter

تالبوت^۱ واگذار شد.

ایران در دوره قاجار نه تنها از رابطه با انگلستان منفعتی به دست نیاورد، بلکه آن کشور با استفاده از سیاست تطمیع و تهدید بر دامنه نفوذ استعماری خود در کشور ما افزود. مهم‌ترین قراردادهای منعقد شده با انگلستان و امتیازات داده شده به انگلیسی‌ها در دوره قاجار

نام قرارداد	نام شاه ایران	تاریخ انعقاد قرارداد
قرارداد مجمل	فتحعلی‌شاه	۱۲۲۴ق. / ۱۱۸۸ش. / ۱۸۰۹م.
قرارداد مفصل	فتحعلی‌شاه	۱۲۲۷ق. / ۱۱۹۱ش. / ۱۸۱۲م.
قرارداد تهران	فتحعلی‌شاه	۱۲۲۹ق. / ۱۱۹۳ش. / ۱۸۱۴م.
قرارداد پاریس	ناصرالدین‌شاه	۱۲۷۳ق. / ۱۲۳۶ش. / ۱۸۵۷م.
امتیاز تلگراف	ناصرالدین‌شاه	۱۲۷۹ق. / ۱۲۴۱ش. / ۱۸۶۲م.
امتیاز روتر	ناصرالدین‌شاه	۱۲۸۹ق. / ۱۲۵۰ش. / ۱۸۷۲م.
امتیاز کشتیرانی در کارون	ناصرالدین‌شاه	۱۳۰۶ق. / ۱۲۶۷ش. / ۱۸۸۹م.
امتیاز لاتاری	ناصرالدین‌شاه	۱۳۰۶ق. / ۱۲۶۷ش. / ۱۸۸۹م.
امتیاز بانک شاهنشاهی	ناصرالدین‌شاه	۱۳۰۶ق. / ۱۲۶۷ش. / ۱۸۸۹م.
امتیاز توتون و تنباکو	ناصرالدین‌شاه	۱۳۰۷ق. / ۱۲۶۸ش. / ۱۸۹۰م.

ب) روابط ایران و روسیه

حکومت روسیه از زمان پطر کبیر^۲ (بنیانگذار روسیه نوین)، سیاست توسعه طلبانه همه‌جانبه‌ای را در پیش گرفت. هدف این سیاست تبدیل روسیه به یک قدرت برتر جهانی در رقابت با دیگر دولت‌های اروپایی بود. به همین منظور، دست‌یابی به آب‌های آزاد و گرم خلیج فارس و اقیانوس هند یکی از اهدافی بود که توسط پطر طراحی شد و در صدر برنامه‌های توسعه‌طلبانه فرمانروایان روس قرار گرفت.

ضعف حکومت مرکزی ایران از زمان شاه سلطان حسین آخرین شاه صفوی، انگیزه روس‌ها را برای تهاجم به نواحی شمالی ایران بیشتر کرد. اقتدار نظامی ایران در زمان نادرشاه افشار و سپس آقامحمدخان قاجار، برای مدت کوتاهی حاکمان روسی را از حمله به مرزهای ایران بازداشت. اما در زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار و پس از آن که حاکم گرجستان خود را تحت حمایت روسیه قرار

۱- Talbot

۲- ۱۶۷۲-۱۷۲۵م.

داد، روس‌ها نیروهای نظامی خود را به منطقه قفقاز اعزام و گرجستان را تصرف کردند. تهاجم نظامی روسیه به این منطقه که اهمیت حیاتی برای ایران داشت، باعث بروز دو دوره جنگ، میان دو کشور شد.

۱- دور اول جنگ‌های ایران و روسیه : دور اول جنگ‌های ایران و روسیه که نزدیک به ۱۰ سال طول کشید^۱، در نهایت به سبب ضعف سیاسی و نظامی ایران، به پیروزی روسیه انجامید و حکومت قاجار مجبور به امضای قرارداد گلستان شد. طبق مفاد آن قرارداد، نه تنها بخش‌هایی از نواحی شمالی میهن ما، شامل ولایات گرجستان، داغستان و اران و شهرهایی چون تفلیس، دربند، باکو، گنجه، شکی، شیروان و ... به روسیه واگذار گردید، بلکه ایران از داشتن نیروی دریایی در دریای خزر نیز محروم شد.



یک نقاشی از صحنه جنگ ایران و روسیه

۲- دور دوم جنگ‌های ایران و روسیه : مشخص نبودن خطوط مرزی در عهدنامه گلستان، نارضایتی مردم مسلمانی که زیر سلطه روس‌ها قرار گرفته بودند و در نهایت ناخشنودی و نارضایتی مردم ایران از مفاد قرارداد گلستان، موجب شروع دور دوم جنگ‌های ایران و روسیه^۲ شد. فتوای جهاد علما نیز ایرانیان را مهیای نبرد کرد. در آغاز نیروهای ایرانی به فرماندهی عباس میرزا در کمتر از یک ماه تمام شهرهای اشغال شده را باز پس گرفتند؛ اما در ادامه، شرایط به سود روسیه و به ضرر ایران تغییر کرد. سرانجام این دور از جنگ‌ها نیز با شکست سپاه قاجار و پذیرش معاهده ننگین ترکمانچای پایان گرفت.

۱- از سال ۱۲۱۸ تا ۱۲۲۸ ق. / ۱۱۸۲ تا ۱۱۹۲ ش. / ۱۸۰۳ تا ۱۸۱۳ م.

۲- از سال ۱۲۴۱ تا ۱۲۴۳ ق. / ۱۲۰۴ تا ۱۲۰۶ ش. / ۱۸۲۶ تا ۱۸۲۸ م.

مهم‌ترین دلایل شکست نظامی ایران از روسیه عبارت‌اند از :

- ۱- عدم حمایت مالی فتحعلی شاه از سپاه عباس میرزا
- ۲- کمبود تسلیحات و تجهیزات نظامی سپاهیان ایران
- ۳- عدم اطاعت و عدم حمایت شاهزادگان حاکم در ولایات از عباس میرزا
- ۴- بی‌کفایتی برخی فرماندهان سپاه ایران مانند آصف‌الدوله
- ۵- پایان یافتن جنگ‌های روسیه و عثمانی و آمدن ژنرال پاسکویچ^۱ فرمانده کل سپاه روس به

جبهه ایران

به موجب عهدنامه ترکمانچای، افزودن بر مناطق و شهرهایی که در عهدنامه گلستان از ایران جدا شده بودند، شهرهای ایروان و نخجوان و بخشی از دشت مغان نیز به روسیه داده شد. همچنین ایران متعهد شد که ۵ میلیون تومان غرامت به روسیه پرداخت کند و به اتباع آن کشور در ایران، حق مصونیت قضایی (کاپیتولاسیون)^۲ بدهد. علاوه بر آن، روس‌ها یک قرارداد تجاری را نیز ضمیمه عهدنامه ترکمانچای کردند که اقتصاد و بازار ایران را عملاً در اختیار آنان قرار می‌داد.



ملاقات عباس میرزا با فرمانده نیروهای روسیه

این قرارداد در ایران پیامدهای متفاوتی را به همراه داشت. شاه و سیاستمداران ایرانی دچار یأس و سرخوردگی شدند، اما مردم خشم و کینه خود را نثار الکساندر گریبایدوف سفیر روسیه کردند که با کبر و غرور فراوان به تهران آمده بود تا ناظر اجرای مفاد قرارداد ترکمانچای باشد. پیامد بلندمدت

۱- Ivan. G. Paskiewitch

۲- Capitulation

قرارداد ترکمانچای، افزایش نفوذ و دخالت سیاسی و اقتصادی روسیه در ایران بود. روسیه در زمان محمدرشاه قاجار به ظاهر رابطهٔ دوستانه‌ای با ایران برقرار کرد. روس‌ها برای منحرف کردن توجه زمامداران ایران از سرزمین‌هایی که در دو عهدنامهٔ گلستان و ترکمانچای به آن کشور واگذار شده بود، شاه قاجار را برای لشکرکشی به هرات تشویق می‌کردند. این سیاست در زمان ناصرالدین شاه نیز ادامه یافت، اما هنگامی که کشور ما به دلیل محاصرهٔ هرات، مورد هجوم نظامی انگلستان قرار گرفت، روسیه هیچ کمکی به ایران نکرد.

روسیه سرزمین‌های ایرانی، شرق دریای خزر (خوارزم و ماوراءالنهر) را نیز بدون مزاحمت جدی تسخیر و تصرف کرد و با انعقاد قرارداد آخال^۱ میان روسیه و ایران، حکومت قاجار حاکمیت روس‌ها بر مناطق مذکور را به رسمیت شناخت و رود اترک مرز میان دو کشور تعیین شد. امتیازهای تأسیس بانک استقراضی، تشکیل نیروی قزاق و شیلات شمال، مهم‌ترین امتیازاتی بودند که روس‌ها در دوران ناصرالدین‌شاه از ایران گرفتند.



سرزمین‌های جدا شده از ایران در دورهٔ قاجاریه

به نظر شما تأثیر قراردادهای گلستان، ترکمانچای و آخال، بر موقعیت ایران در دریای

خزر چگونه بوده است؟

ج) روابط ایران و فرانسه

همان‌گونه که در درس پنجم خواندید، ناپلئون بناپارت پس از رسیدن به مقام امپراتوری فرانسه با دولت‌های بزرگ اروپایی وارد جنگ شد. او به سبب آن که قادر به شکست دادن انگلستان در اروپا نبود، تصمیم گرفت که مستعمرات آن کشور را مورد هجوم قرار دهد. به همین منظور حمله به مصر و هندوستان در اولویت برنامه‌های او قرار گرفت. ایران تنها راه زمینی برای رسیدن به هندوستان بود و ناپلئون برای تحقق این هدف خواهان برقراری روابط سیاسی با دربار قاجار شد. هیئت اعزامی ناپلئون هنگامی وارد ایران شد که آقامحمدخان به قتل رسیده بود و حاج ابراهیم خان کلانتر نیز حاضر به مذاکره با آن هیئت نشد. امپراتور فرانسه مجدداً سفیران دیگری را برای ایجاد ارتباط سیاسی به ایران فرستاد. این اقدامات فتحعلی‌شاه را قانع کرد که فرانسه می‌تواند متحد خوبی برای ایران در جنگ با روسیه باشد. از این‌رو، نماینده خود را برای انعقاد پیمان دوستی نزد ناپلئون در لهستان فرستاد و قرارداد **فین‌کنشتاین**^۱ را با فرانسه امضاء کرد. طبق مفاد آن قرارداد، ناپلئون متعهد شد به ایران کمک نظامی کند و فتحعلی‌شاه نیز تعهد کرد که به فرانسه اجازه دهد از خاک ایران برای حمله به هندوستان استفاده نماید. شاه قاجار در اولین اقدام، دستور داد تا انگلیسی‌ها خاک ایران را ترک کنند و جزیره خارک به فرانسه واگذار شود. هیئتی نظامی از فرانسه به ایران آمد و آموزش نظامی سپاهیان ایران را به عهده گرفت؛ ناپلئون، همچنین مقداری تجهیزات نظامی به ایران فرستاد. اتحاد سیاسی و نظامی ایران و فرانسه کوتاه مدت بود؛ زیرا ناپلئون برخلاف تعهداتی که به ایران داده بود، با روسیه صلح کرد و فتحعلی‌شاه برای مقابله نظامی با روس‌ها، ناگزیر بار دیگر به انگلستان متوسل شد. در زمان سلطنت محمدشاه، دو کشور ایران و فرانسه برای برقراری مناسبات و توسعه روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گام‌هایی برداشتند، اما در اثر تحریکات روسیه و انگلستان، توفیقی حاصل نشد. روابط ایران و فرانسه در زمان ناصرالدین‌شاه و صدارت امیرکبیر نیز به سبب اصرار صدراعظم

^۱ - Finkenestein

بر حفظ منافع ایران و لجاجت سفیر فرانسه به سردی گرایید. لیکن در زمان ناپلئون سوم روابط میان دو کشور دوستانه شد و دولت فرانسه در جریان سفر اول ناصرالدین شاه به اروپا، به گرمی از او استقبال و پذیرایی کرد. پس از آن روابط ایران و فرانسه بیشتر جنبه فرهنگی داشت. امتیاز حفاری در شوش به یک گروه باستان‌شناس فرانسوی داده شد. همچنین این کشور پذیرای دانشجویان ایرانی بود که برای تحصیل به خارج می‌رفتند.

بیشتر بدانیم

قرارداد فروش آثار باستانی!

قراردادهای ایران با دولت‌های استعماری تنها به مسائل سیاسی و اقتصادی منحصر نبود؛ بلکه از اواخر دوران ناصرالدین شاه به حوزه فرهنگی نیز کشیده شد. در این زمان ژان دیولافوا^۱ی فرانسوی به کمک سفیر فرانسه در تهران، قراردادی برای حفاری و استخراج آثار باستانی در شوش با دولت ایران منعقد کرد. وی به همراه همسرش و عده‌ای از متخصصان باستان‌شناس فرانسوی به ایران آمد و مدت دو سال به کاوش‌های علمی در شوش پرداخت. طی این مدت، دیولافوا قسمت مهمی از آثار ارزشمند دوره‌های تاریخی پیش از اسلام (ایلام — هخامنشی) را کشف کرد و به فرانسه انتقال داد. همسر او مادام دیولافوا در سفرنامه خود، مقدار این آثار را ۲۵۰۱ صندوق نوشته است. این آثار امروزه در موزه‌های اروپایی، به ویژه «موزه لوور»^۲ پاریس نگهداری می‌شوند.

د) روابط ایران و عثمانی

در دوره قاجار به سبب گرفتاری ایران در مرزهای شمالی و مشکلات عثمانی در شرق اروپا، تنش و درگیری میان دو حکومت نسبت به دوران قبل به طرز محسوسی کاهش یافت. تنها در اواخر سلطنت فتحعلی شاه، عباس میرزا برای تثبیت مرزهای غربی ایران به آن سمت لشکر کشید و تا بغداد پیشروی کرد. گرچه با درخواست عثمانی، قرارداد ارزنة الروم اول میان دو کشور منعقد شد اما اختلافات مرزی

۱- Jane Dieulafoy

۲- Lovr

در زمان سلطنت محمدشاه نیز ادامه پیدا کرد و بی‌احترامی عثمانی‌ها به مقابر ائمه اطهار علیهم‌السلام و کشتار شیعیان در کربلا، زمینه‌تیرگی روابط میان دو کشور را فراهم کرد. سرانجام با وساطت روسیه و انگلستان و تلاش نماینده ایران (میرزاتقی‌خان امیرکبیر)، قرارداد ارزنة‌الروم دوم میان دو کشور منعقد شد و اختلافات مرزی ایران و عثمانی فروکش کرد.

ه) روابط ایران و سایر کشورها

حکومت قاجار به منظور کاستن از فشارهای سیاسی، نظامی و اقتصادی روسیه و انگلستان، تلاش‌های محدودی، را برای ایجاد رابطه با چندین کشور آغاز کرد. به همین منظور سفیرانی به آمریکا، اتریش، ایتالیا، بلژیک اعزام شدند و تمایل حکومت ایران را برای برقراری روابط ابراز کردند، اما به دلایلی چون بُعد مسافت و بی‌رغبتی این کشورها، ایران قادر به ایجاد رابطه سیاسی جدی با آنها نشد. بنابراین، روز به روز بر دامنه نفوذ و مداخله روسیه و انگلیس در ایران افزوده شد.

پرسش‌های نمونه

- ۱- انگلستان در دوره قاجار چه اهدافی را در ایران دنبال می‌کرد؟
- ۲- شهر هرات چگونه از ایران جدا شد؟
- ۳- کدام یک از امتیازات واگذار شده به انگلستان تأثیر زیادی بر رویدادهای بعدی ایران داشت؟ چرا؟
- ۴- چرا ایران در دور دوم جنگ با روسیه شکست خورد؟
- ۵- روابط ایران و فرانسه در عصر فتحعلی شاه را در سه سطر خلاصه کنید.

اندیشه و جست‌وجو

- به نظر شما عکس‌العمل حکومت قاجار در برابر تهاجم سیاسی و نظامی دولت‌های روسیه و انگلستان به ایران چگونه بود؟ تحلیل خود را در پنج سطر بنویسید.